

Original Article

The Causes of World Censorship from the Perspective of Islamic Citizenship with Emphasis on the Qur'anic Verses and Nahjul Balagha

Ali Naghi Sharifzad¹, Yadollah Maleki^{2*}, Jafar Taban³

1. Ph.D. Student of Theology: Quran and Hadith Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran.
2. Faculty Member of Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran. (Corresponding Author)
Email: yadollahmaleki@yahoo.com
3. Faculty Member of Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran.

Received: 26 Nov 2019 Accepted: 2 Mar 2020

Abstract

Worldliness is the destination of the world and the pursuit of world power and wealth without regard to the immortality of the world and the truth of the hereafter. This study examines the reasons for Worldliness criticism from the perspective of Islamic citizenship with emphasis on the verses of the Qur'an and Nahjul Balagheh. A library method is used to study and analyze the views of religious thinkers in the present study. The Holy Qur'an has repeatedly denounced excessive attention to the world and the worldliness and considered it one of the most important reasons for the decline of past societies and civilizations. It was also stated that the most important reason some people did not accept the invitation of the prophets was their worldliness. What is not used in the verses and narrations is that love and affection for the world and its contents, such as children, property and other forms of life, are bad and the remedy is not to suppress interests and affection. Rather, what is ugly in Islam is intense dependence and attachment to the world. Therefore, the world that is cursed in the Islamic culture and most blamed on Nahj al-Balagha is the world against religion, not the world against the hereafter, because the world and the hereafter are interconnected and the world is the basis for entry. In Nahj al-Balagha, also there have been many accusations and denunciations of the world from the language of Imam Ali (AS). In fact, worldliness has been cited as a factor in deviating from justice in Islamic citizenship. Finally, it can be stated that there is no encouragement of the worldliness in the principles of Islamic citizenship and the respect for the rights of oneself and other citizens requires independence from the world.

Keywords: Islamic Citizenship Rights; World; worldliness; the Holy Quran; Blame; Nahjul Balagheh

Please cite this article as: Sharifzad AN, Maleki Y, Taban J. The Causes of World Censorship from the Perspective of Islamic Citizenship with Emphasis on the Qur'anic Verses and Nahjul Balagha. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 249-260.*

علل نکوهش دنیاطلبی از منظر حقوق شهروندی اسلامی با تأکید بر آیات قرآن و نهج‌البلاغه

علی‌نقی شریف‌زاد، یدالله ملکی^{۲*}، جعفر تابان^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: yadollahmaleki@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده شهید محلاتی، قم، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۹/۵ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

چکیده

دنیاطلبی، مقصدانگاشتن دنیا و تلاش در جهت رسیدن به قدرت و ثروت در دنیا بی‌توجه به فناپذیربودن دنیا و حقیقت جهان آخرت می‌باشد. در این پژوهش به بررسی دلایل نکوهش دنیاطلبی از منظر حقوق شهروندی اسلامی با تأکید بر آیات قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته‌ایم. برای بررسی و تحلیل نظرات متفکران دینی در پژوهش حاضر از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. قرآن کریم در آیات مختلفی توجه بیش از حد به دنیا و دنیاطلبی را نکوهیده و آن را یکی از مهم‌ترین دلایل انحطاط جوامع و تمدن‌های گذشته، دانسته است. همچنین بیان کرده است که مهم‌ترین دلیلی که برخی از مردم، دعوت انبیا را نمی‌پذیرفته‌اند، همین دنیاطلبی آنان بوده است. آن چیزی که از آیات و روایات استفاده می‌شود، این نیست که اساساً علاقه و محبت نسبت به دنیا و محتوایش مانند فرزند و مال و سایر شؤون زندگی بد است و راه چاره هم این نیست که علایق و محبت‌ها را باید سرکوب کرد، بلکه آنچه از نظر اسلام زشت است وابستگی و دلبستگی شدید و راضی و قانع شدن به دنیا است. از این رو دنیایی که در فرهنگ اسلام مذمت شده و بیشترین سرزنش‌ها در نهج‌البلاغه از آن به عمل آمده، دنیای در مقابل دین است نه دنیای در مقابل آخرت، چراکه دنیا و آخرت پیوسته به یکدیگرند و دنیا زمینه‌ساز ورود به آخرت است. در نهج‌البلاغه نیز از زبان امام علی (ع) نکوهش‌ها و مذمت‌های بسیاری نسبت به دنیا شده است. در حقیقت دنیاگرایی در حقوق شهروندی اسلامی عاملی در جهت انحراف از عدالت برشمرده شده است. در نهایت می‌توان بیان داشت که تشویق دنیاطلبی در اصول حقوق شهروندی اسلامی وجود ندارد و رعایت حقوق خود و سایر شهروندان نیازمند دل‌کنندن از دنیا می‌باشد.

واژگان کلیدی:

مقدمه

مقوله دنیا و دنیاطلبی و مفاهیمی همچون حب دنیا و دلبستگی به آن یا بالعکس، بیزاری از مظاهر حیات دنیوی و زهدورزی، همواره دغدغه انسان و جامعه اسلامی و نیز مورد توجه آیات و روایات و سیره و سنت معصومین (ع) بوده است. در قرآن کریم بر این نکته تأکید شده است که یکی از مهم‌ترین دلایل انحطاط جوامع و تمدن‌های گذشته، توجه بیش از حد به دنیا و دنیاطلبی بوده است. دنیاطلبی یکی از دلایل رد دعوت انبیا توسط مردم بوده است، چنانکه در این‌باره قرآن کریم می‌فرماید: «اتَّبِثُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبُثُونَ، وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ؛ آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوا و هوس می‌سازید؟! و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟!» (۱)، چراکه رشد ارزش‌های معنوی که لازمه حیات حقیقی جامعه می‌باشد، در جایی که سایه دنیاطلبی بر ذهن و دل انسان‌ها افکنده باشد، امکان‌پذیر نخواهد بود.

بررسی آیات قرآن کریم و کلام امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، این نتیجه را به دست می‌دهد که در فرازهای این دو مصحف شریف، اشارات فراوانی نسبت به دنیا شده است. پس از دسته‌بندی و تحلیل این عبارات درمی‌یابیم که بخشی از این فقرات، جنبه ستوده دنیا را حکایت می‌کنند و بخشی دیگر که بسیار فراوان‌تر هم به چشم می‌خورد، نکوهش و ذم دنیا است. حال، پاسخ به این پرسش‌ها که: چرا به نکوهش و ذم دنیا در قرآن و نهج‌البلاغه بسیار پرداخته شده است، و علل و عوامل این نکوهش چیست و چه آسیب‌هایی از جانب دنیا می‌تواند متوجه انسان شود که این‌گونه در قرآن و نهج‌البلاغه مورد نکوهش قرار گرفته است و در آخر راه در امان ماندن از آسیب‌های دنیا چیست، هدفی است که این نوشتار در پی یافتن آن است.

در این‌باره باید گفت که هشدارهای قرآن کریم و نهج‌البلاغه و سیره و سنت معصومین (ع) در مورد دنیا و دنیاطلبی، برای این است که ماهیت دنیا به گونه‌ای است که انسان را به خود سرگرم می‌کند و از هدفی که برای آن آفریده شده، بازمی‌دارد، چنانکه حضرت علی (ع) در نامه‌اش به معاویه یادآور می‌شود: «دنیا انسان را به خود سرگرم و از دیگر چیزها بازمی‌دارد» (۲).

در قرآن کریم نیز، همین معنی در آیه ۷۷ سوره نساء و آیه ۳۸ سوره توبه آمده است.

همچنین ظواهر دنیوی و دلبستگی به آن‌ها مایه فریب و غرور انسان می‌شوند. قرآن کریم از حیات دنیا به «متاع الغرور» (۱) تعبیر می‌کند و در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) نیز آمده است: «دنیا، آرزومندان و خواهان خود را فریب می‌دهد» (۲). بر همین اساس، آن کس که در دام محبت دنیا گرفتار آمده است، در دو راهی‌های دین و دنیا، دلبستگی و محبت به دنیا، نقش خود را به خوبی بازی می‌کند و برگ برنده را به نام خود ثبت می‌کند. محبت به دنیا انسان را وامی‌دارد تا روی احکام دین و عقل پا گذارد و سیه‌روزی خود را با دست خود امضا نماید. به همین دلیل است که در کلام معصومان (ع) محبت دنیا، سرچشمه و رأس هر خطا و لغزشی معرفی شده است (۳).

مبانی نظری

از آنجایی که موضوع حاضر، در تربیت و سعادت یا شقاوت انسان نقش بسیار مهمی دارد، مفسران اسلامی، از دیرباز تاکنون پیرامون آن به تحقیق پرداخته و در کتب تفسیری خود و در ذیل آیات مربوط به دنیا و اوصاف آن، سخن‌ها گفته‌اند که از آن جمله می‌توان به تفسیر «الکشاف» زمخشری، «التبیان» شیخ طوسی، «المیزان» علامه طباطبایی، «مجمع البیان» طبرسی، تفسیر «مفاتیح الغیب» فخر رازی، تفسیر «نمونه» مکارم شیرازی و... اشاره کرد.

همچنین برخی از متفکران و دانشمندان جهان اسلام در شروح خود بر نهج‌البلاغه و یا در نگاشته‌های خود پیرامون این کتاب پراچ، به فراخور بحث، به تبیین این موضوع مبادرت ورزیده‌اند که از این جمله نیز می‌توان «شرح نهج‌البلاغه» ابن ابی‌الحدید معتزلی، «ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه» نوشته محمدتقی جعفری، «حکمت نظری و عملی در نهج‌البلاغه» علامه جوادی آملی، «سیری در نهج‌البلاغه» شهید مطهری و... را نام برد.

در ادامه به صورت خلاصه به چند پژوهش در قالب کتاب و مجله در این زمینه اشاره می‌گردد:

- تبیین علل و عوامل نکوهش دنیا و دنیاطلبی در حقوق شهروندی اسلامی، قرآن و نهج‌البلاغه.

تعاریف و مفاهیم

۱- تعریف دنیا

فهم معنای دنیاگرایی وابسته به تعریف واژه دنیا و توصیف ارتباط آن با آخرت است. بیشتر لغت‌شناسان، معانی نزدیک و مشابهی برای واژه دنیا ذکر کرده‌اند که در ادامه به اختصار به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود. ابن فارس می‌نویسد: «دال، نون و حرف عله» اصل واحدی است به معنای نزدیکی و «دنیا» را به خاطر نزدیکی‌اش، «دنیا» نامیده‌اند» (۶) و طریحی در مجمع‌البحرین می‌گوید: ««دنو» به معنای «نزدیکی و قرب» است. واژه «أدنی» کاربردهای مختلفی دارد: گاهی در معنای «کم‌تر» و در مقابل «بیشتر و بزرگ‌تر» و گاهی در معنای «پست‌تر و حقیرتر» و در مقابل «اعلی و با فضیلت‌تر» به کار می‌رود. گاهی نیز به معنای «نزدیک‌تر» و در مقابل «دورتر» بوده و زمانی به معنای «اول» و مقابل «آخر» است. «دنیا» نیز در مقابل «آخرت» است که به خاطر نزدیکی‌اش، به این نام خوانده می‌شود» (۷).

راغب در مفردات آورده است: ««دنو» یعنی «نزدیکی» که یا بالذات و جسمانی است یا با حکم و علم. این واژه برای نزدیکی مکانی و زمانی و منزلت و مقام نیز به کار می‌رود؛ خدای تعالی می‌فرماید: «وَمِنَ النَّخْلِ مِمَّنْ طَلَعَهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ» و از شکوفه درخت خرما، خوشه‌هایی است نزدیک به هم» (۸، ۱).

ابن منظور معتقد است: ««دنیا» از «دُنُو» و مؤنث «أدنی» است و به سبب نزدیکی‌اش، آن را «دنیا» گفته‌اند، زیرا دنیا نزدیک است و آخرت را به دنبال دارد» (۹) و ابن اثیر نیز نوشته است: ««دنیا» بر وزن «فَعْلَى» از «دُنُو و نزدیکی» گرفته شده است. همچنین «دنیا» اسمی است برای زندگی این جهان، زیرا آخرت از آن فاصله دارد؛ و «السَّمَاءُ الدُّنْيَا» نیز به سبب نزدیکی‌اش به ساکنان زمین، به این نام خوانده شده است» (۱۰).

فراهیدی می‌گوید: «دنیا به معنی اول که در مقابل آخرت می‌باشد مانند «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْزُذُ إِلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ

- در «تفسیر المیزان» علامه طباطبایی در ذیل آیات زیادی از قرآن کریم به مسائل مربوط به دنیا و دنیاگرایی اشاره شده است. به عنوان نمونه، علامه طباطبایی در ذیل آیه ۷۷ سوره نساء می‌فرماید: «مسلمانان جا دارد که در ایمانشان رعایت تقوا (یعنی حفظ خویشتن) را بکنند و اگر باتقوا باشند، چون بین زندگی اندک و شپسز دنیا، و زندگی آخرت مقایسه کنند زندگی آخرت را بهتر از زندگی دنیا می‌یابند، پس جا دارد آخرت را (که بهتر است) بر دنیا ترجیح دهند» (۴).

- در کتاب «تفسیر نمونه» مکارم شیرازی. نیز در ذیل آیات مربوط به دنیا، به مسائل مربوط به دنیا و دنیاگرایی پرداخته است. به عنوان مثال ایشان در ذیل آیه ۲۰ سوره حدید می‌گوید: «جمله «دنیا متاع غرور است» مفهومش این است که وسیله و ابزاری است برای فریبکاری، فریب‌دادن خویشتن، و هم فریب دیگران و البته این در مورد کسانی است که دنیا را هدف نهایی قرار می‌دهند و به آن دل می‌بندند و بر آن تکیه می‌کنند و آخرین آرزویشان وصول به آن است، اما اگر مواهب این جهان مادی وسیله‌ای برای وصول به ارزش‌های والای انسانی و سعادت جاودان باشد، هرگز دنیا نیست، بلکه مزرعه آخرت، و نقطه و پلی برای رسیدن به آن هدف‌های بزرگ است» (۵).

- احمدزاده (۱۳۸۷ ش.) در مقاله‌ای با عنوان «دنیاگرایی؛ آسیبی فرهنگی از منظر قرآن» معتقد است که «دنیا‌داری» برخلاف «دنیاگرایی» به رشد و توسعه همه‌جانبه و فراگیر فرهنگ پیشرو و پویا کمک می‌کند. وی می‌گوید که «دنیا‌داری» و «دنیاگرایی» در حقیقت دو روی یک سکه‌اند که بسته به نگرش انسان نسبت به دنیا، با یکدیگر متفاوت می‌شوند. نتیجه هرگونه انحرافی از «دنیا‌داری» و حرکت به سوی «دنیاگرایی»، به آسیب انسان و فرهنگ منتهی خواهد شد.

اهداف

- بررسی توصیف‌های حقوق شهروندی اسلامی، قرآن کریم و نهج‌البلاغه درباره دنیا و آخرت.

- بررسی چگونگی نکوهش دنیا و دنیاگرایی در حقوق شهروندی اسلامی، قرآن کریم و نهج‌البلاغه.

آیه: «وَ مِنْهُمْ مَّنْ يُقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ و برخی از مردم می‌گویند: ای پروردگار ما، ما را، هم در دنیا خیری بخش و هم در آخرت و ما را از عذاب آتش ننگه دار» (۱).

بنابراین توجه به دنیا و امور آن اگر با ملاحظه پیوستگی آن با آخرت و زمینه‌سازی سعادت اخروی باشد، هرگز به معنای دنیاطلبی به عنوان صفتی مذموم و نکوهیده نخواهد بود.

۲- تعریف حقوق شهروندی اسلامی

مفهوم حقوق شهروندی که با اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه تجلی عینی یافت و متعاقباً اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر آن تأکید نمود، از مفاهیم مدرن و ملزومات زندگی دموکراتیک افراد در یک جامعه سیاسی محسوب می‌شود. به اجمال می‌توان بیان داشت که حقوق شهروندی مشتمل بر حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. بر حسب ایدئولوژی‌های فکری و مکاتب نظری، گونه‌های متعددی از حقوق شهروندی را می‌توان به تصویر کشید. برای مثال این‌که اساس و مبنای شهروندی فردگرایی باشد یا جمع‌گرایی، بر نگرش به این حقوق نیز تأثیرگذار خواهد بود (۱۵). در این رابطه می‌توان با توجه به نفوذ اسلام در حقوق شهروندی از اصطلاح حقوق شهروندی اسلامی سخن به میان آورد.

در مورد ارتباط حقوق شهروندی و ادیان الهی دو دیدگاه سلبی وجود دارد که طبق آن‌ها حقوق شهروندی دینی را غیر ممکن می‌داند. اولین دیدگاه آن است که دین ناتوان از وضع قواعدی به عنوان حقوق شهروندی است. دیدگاه دیگر نیز اصولاً حقوق شهروندی را خارج از موازین دینی و مبانی اسلامی می‌داند. این دیدگاه که توسط برخی نظریه‌پردازان القا می‌شود، قائل به این است که دستورات دینی از اساس فاقد ساز و کاری برای اعطای اختیار و آزادی و غیر آن به انسان است (۱۶). در مقابل، در این نوشتار تلاش می‌شود حق‌مدار بودن انسان در اسلام اثبات شود. همچنین در نظر است اثبات شود که انسان در اسلام و در اندیشه اسلامی، برای رسیدن به حقوق شایسته خود نیازمند انجام اموری به عنوان تکالیف

خَيْرَ اطْمَآنٍ بِهِ وَ اِنْ اَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ اَنْقَلَبْ عَلَيَّ وَجْهِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ هُوَ النَّحْسَرَانُ الْمُبِين؛ بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند (و ایمان قلبی‌شان بسیار ضعیف است) همین که (دنیا به آن‌ها رو کند و نفع و خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند، اما اگر مصیبتی برای امتحان به آن‌ها برسد، دگرگون می‌شوند (و به کفر رو می‌آورند)!) (به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده‌اند و هم آخرت را و این همان خسران و زیان آشکار است» (۱)، می‌باشد و یا آیه «وَ آتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ اِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ؛ ما در دنیا به او (همت) نیکویی دادیم و در آخرت از نیکان است» (۱، ۱۱).

در کتاب قاموس قرآن نیز درباره دنیا این‌گونه آمده است: «دنو» یعنی نزدیک‌تر شدن، مانند آیه «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى؛ سپس نزدیک‌تر و نزدیک‌تر شد» (۱). اسم فاعل آن دان و دانیه است، مثل آیه «مُتَّكِنِينَ عَلَيَّ فُرْشِ بَطَانَتِهَا مِنْ اِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ؛ میوه هر دو بهشت به آن‌ها نزدیک و در دسترس است» (۱) و در آیاتی دیگر به معنی نزدیک‌تر است، مانند «ذَلِكَ اَدْنَى اَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَيَّ وَ وَجْهَهَا اَوْ يَخَافُوا اَنْ تُرَدَّ اِيْمَانُ بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ؛ این کار، نزدیک‌تر است به این‌که گواهی به حق دهند، (و از خدا بترسند) و یا (از مردم) بترسند که (دروغشان فاش گردد، و) سوگندهایی جای سوگندهای آن‌ها را بگیرد» (۱) و یا آیاتی دیگر از قرآن که به معنی نزدیک‌تر است (۱۲).

در فرهنگ فارسی معین درباره دنیا آمده است: «دنو، به معنای خوارتر، نزدیک‌تر»، «من أدناه الى اقصاه؛ از نزدیک‌تر تا دورتر، پایین، زیر»، «المُؤَقَّعُونَ ادناه؛ امضاکنندگان زیر»، «ادنی من جبل الوريد؛ از شاهرگ گردن نزدیک‌تر است»، «الحدُّ الأدنی؛ کم‌ترین میزان یا درجه چیزی، کم‌ترین حد، کم‌ترین مقدار»، «الشرق الأدنی؛ کشورهای خاور نزدیک که در منطقه شرقی دریای مدیترانه است» (۱۳). دهخدا می‌نویسد: «دنیا، تأنیث أدنی، به معنی نزدیک‌تر و در مقابل قصوی می‌باشد. دنیا اقرب است به سوی آدمی به نسبت عقبی» (۱۴).

واژه دنیا می‌تواند «سازنده آخرتی سعادت‌مند» تعریف شود. خداوند بخشیدن اسحاق و یعقوب و پیامبر بودن این دو فرزند را پاداش ارائه‌شده در دنیا به حضرت ابراهیم (ع) می‌داند و در نهایت اشاره می‌کند که او در آخرت از صالحان است (۱) یا

گمان کسانی است که کافر شدند. پس وای بر کافران از آتش» (۱). همچنین آیه دیگر می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ؛ آیا ندیده‌ای که خدا به حق آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ اگر اراده کند به جای شما مخلوقی تازه می‌آورد» (۱).

در مجموع می‌توان بیان کرد که هسته مرکزی اسلام که توحید باشد، با بدبینی به آفرینش و نظام هستی و دنیا که ذیل آن قرار می‌گیرد، سازگار نیست. این نوع رویکردها را یا باید در ماتریالیسم و انکار مبدأ حکیم جستجو کرد یا متأثر از منشأ اعتقاد به ثنویت دانست، اما در دین اسلام که اعتقاد به خدای دانا و توانا و دارای حکمت و بر اساس اصل توحید بنا شده است، این افکار جایگاهی ندارد.

۲- وسیله و ابزاری برای رسیدن به هدف

وسیله و ابزار به چیزی گویند که توسط یک یا مجموعه‌ای از آن بتوان به هدفی دست یافت. استفاده از وسیله نیازمند ایجاد تعلق خاطر به آن نیست. در آیات و روایات بارها دنیا وسیله معرفی شده است که معروفترین این تعبیر تشبیه دنیا به مزرعه است: «الدنيا مزرعة الآخرة» (۱۹). این تعبیر به این معنی می‌باشد که هر کس در دنیا بذر خود را می‌پاشد و نتیجه اصلی این کاشت، برداشت محصول در آخرت خواهد بود. در تعبیر قرآنی دنیا ماهیتی مزرعه‌گونه دارد و جایگاه کاشت است برای برداشتی که در آخرت اتفاق می‌افتد: «مَنْ كَانَ يَرْيُدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يَرْيُدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ؛ هر کس کشت آخرت را بخواهد به کشته‌اش می‌افزاییم و هر کس کشت دنیا را بخواهد به او عطا می‌کنیم، ولی دیگر در کشت آخرتش نصیبی نیست» (۱).

صدرالمتألهین شیرازی، ماهیت دنیا را مانند ابزار می‌داند و در این باره این تبیین را دارد: «دنیا برای انسان نه آغاز است و نه فرجام. در نگاه ما انسان قبل از دنیا، بوده و بعد از آن هم خواهد بود. انسان پیش از دنیا در علم خدا بود، سپس به روح عقلانی در آمد، بعد روح به قالب مثالی تعلق پیدا کرد و سرانجام در دنیا لباس مادی پوشید. پس از دنیا نیز با همین قوس نزولی را که در آن فرود آمده، رو به بالا خواهد پیمود و

است. بر این اساس، تکالیف بر اساس حقوق و با هدف تأمین آن‌ها شکل گرفته‌اند. شناسایی و تعیین قواعدی برای زندگی اجتماعی انسان که از آن جمله حقوق شهروندی می‌باشد، نه تنها با مبانی دین مخالف نیست، بلکه از لوازم حتمی و مبنایی زندگی افراد در جامعه اسلامی قلمداد می‌شود. از طرف دیگر، دین با در اختیارداشتن اصول مبنایی و ابزار استنباط عقلی، توانایی کشف و وضع قواعد را در این ارتباط دارد.

توصیف دنیا و دنیاگرایی در حقوق شهروندی اسلامی،

قرآن و نهج‌البلاغه

با توجه به ذهنیت افراد، دیدگاه انسان‌ها در مورد دنیا را می‌توان در سه دسته گنجانند: ۱- در نزد گروه اول که می‌توان آن‌ها را انسان‌های متدبر و خردمند نامید، دنیا نشانه ای است که از طریق آن به نظم موجود در آن اندیشیده و به وجود ناظم پی می‌برند؛ ۲- برای ماتریالیست‌ها و مادی‌گراها دنیا به مثابه هدف و غایت می‌باشد؛ ۳- اما گروه سوم مؤمنان هستند که سعادت اخروی را در دنیا می‌جویند. در ادامه با استناد به آیات قرآنی و روایات، به توصیف دنیا و کارکردهای آن می‌پردازیم.

۱- دنیا؛ تجلی‌گاه آیات و نشانه‌های الهی

آیه در لغت به معنی نشانه و علامت می‌باشد و معنی وسیعی را پوشش می‌دهد (۸)، هر چیز که نشانه حقانیت ذات پاک خداوند است آیه نام دارد. به عبارتی، هر چیزی که مظهر و نشانه بارز و محسوس برای خدا باشد. از آن جمله می‌توان به خورشید، ماه، ستارگان، انواع جانداران، گیاهان، کوه‌ها، دریاها و... اشاره داشت. فیض کاشانی بیان می‌دارد که نظم‌دادن به آسمان و زمین و کائنات برای آن است که بشر زندگی خود را برای رسیدن کمال بر اساس این نظم تنظیم کند (۱۷). بنابراین تأمل و تدبر لازم است تا انسان دنیا را یکی از نشانه‌های بارز شناخت خدا قلمداد کند.

خداوند در قرآن کریم دنیا را حق و دارای نظامی راستین می‌داند: «وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ؛ آفرینش آسمان و زمین و آنچه را که میان آن‌هاست، از سوی ما به باطل نبوده است. این

دارد. هدف‌انگاشتن دنیا باعث نگرش کوتاه انسان می‌شود که فراتر از دنیا را نبیند و تمام تلاش خود را در جهت رسیدن به آن به کار ببندد، این توجه به دنیا باعث از بین رفتن نور دیده و بصیرت انسان می‌شود. حضرت علی (ع) در این باره فرموده است: «و من ابصر الیها أعمته» (۲). همچنین در قرآن کریم نیز در این مورد اشاره شده است و جایگاه کسانی که توجه به آخرت نداشته و تمام توان خود را در دنیا و برای رسیدن به آن صرف می‌کنند، جهنم دانسته شده است: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ» «أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ کسانی که به دیدار ما امید ندارند و به زندگی دنیوی خشنود شده و بدان آرامش یافته‌اند و آنان که از آیات ما بی‌خبرند، به کیفر کارهایی که می‌کرده‌اند، جایگاهشان جهنم است» (۱).

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «وقتی جهان‌بینی یک انسان چنین باشد، همه هم و غم او معطوف به زندگی مادی دنیا می‌شود، چون انسان و هر موجود زنده دیگر به حکم فطرتش می‌خواهد باقی بماند و به دعوت فطرتش همه همش را صرف در این می‌کند که اولاً بماند و فانی نشود؛ در ثانی سعادت این زندگی را تأمین نماید. خوب، اگر این انسان، ایمانی به حیات دائمی داشته باشد، حیاتی که به پهنای دنیا و آخرت است که هیچ، اما اگر به چنین حیاتی ایمان نداشته باشد، قهراً هم فطرتش در تلاش برای بقا صرف همین زندگی دنیا می‌شود و به داشتن آن راضی گشته، دلش به آرامشی کاذب، آرامش می‌یابد و دیگر به طلب آخرت بر نمی‌خیزد» (۴).

پرهیز از دنیاگرایی در حقوق شهروندی اسلامی

دنیاگرایی از انحرافات فکری و بیماری‌های اخلاقی است که از نظر دین مقدس اسلام بسیار مذمت و سرزنش شده است، به گونه‌ای که از نظر رسول خدا (ص) رأس و محور همه خطاها دانسته شده است (۳). منظور از دنیاگرایی آن است که انسان چنان علاقمند و شیفته دنیا باشد که در راه تحصیل آن به هر عمل زشتی دست بزند و حقوق دیگران را پایمال نموده، واجبات الهی را ترک کرده و وظایف خود را درست انجام ندهد

به مقام قرب الهی می‌رسد یا به ژرفای سهمگین جهنم که نه می‌میرد و نه زنده می‌ماند، سقوط می‌کند» (۲۰).

در قرآن بیان شده است که رسیدن به قرب الهی و بهشت هدف از خلقت انسان در دنیا بوده است و دنیا مسیری پیمودنی برای رسیدن و شایسته‌شدن برای این مقام می‌باشد، چنانکه کسی آن را وسیله بینایی خود کند او را بینا می‌کند: «وَ مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرْتَهُ» (۲)، یعنی آن کس که دنیا را، وسیله نیل به کمال و ابزاری برای وصول به آخرت و سببی از اسباب تکامل قرار دهد، حجاب‌ها از برابر دیدگان او، کنار خواهد رفت و حقایق جهان را آنچنانکه هست در خواهد یافت، ولی آن کس که دنیا را به عنوان هدف بشناسد و نظر او نسبت به آن، نظر استقلالی باشد، نه به عنوان وسیله و ابزار، چنان حجابی بر چشم دل او می‌افتد که از دیدن حقایق محروم می‌گردد، عاشق دنیا و زرق و برق آن می‌شود و دل‌باخته و دل‌داده عالم ماده می‌گردد و هرچه را جز آن است، به فراموشی می‌سپارد. در واقع خداپرستان راستین و دنیاپرستان حریص، تفاوتشان در همین است که یکی دنیا را به عنوان مقدمه‌ای برای آخرت می‌خواهد و دیگری دنیا را به عنوان هدف نهایی و غایت مطلوب.

۳- هدف و غایت‌پنداشتن دنیا

هدف همواره در رأس امور می‌باشد و سایر مکانیزم‌ها در راستای آن و برای رسیدن به آن تنظیم می‌شوند. اموری مادی هیچ‌گاه نمی‌توانند هدف باشند و این از ماهیت زوال‌پذیری آن‌ها نشأت می‌گیرد، به تعبیر قرآن کریم: «مَا عِنْدَكُمْ يَبْذُوقُ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» آنچه نزد شماست فنا می‌شود و آنچه نزد خداست، باقی می‌ماند و آنان را که شکیبایی ورزیدند پاداشی بهتر از کردارشان خواهیم داد» (۱)، و آیه «وَ مَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ» «چیزهایی که به شما داده شده است، برخورداری و آرایش این زندگی دنیوی است. حال آنکه آنچه نزد خداست، بهتر و ماندنی‌تر است، چرا در نمی‌یابید» (۱).

دنیا جاودانه نیست. بنابراین نباید به عنوان هدف به آن نگاه شود، چراکه این نگاه با فلسفه آفرینش انسان منافات

و از تحصیل کمال و تهذیب نفس و اعمال نیک باز ماند. این‌گونه عشق و علاقه افراطی را دنیاگرایی می‌نامند (۲۱).

لازمه زندگی اجتماعی، داشتن قانون می‌باشد و سیستم اجتماعی به دولت احتیاج دارد. از آنجا که پیامبر (ص) حاکمیت این مردم را داشته است، لازم است پس از او نیز مردانی شایسته و مورد تأیید وی این مسؤولیت را بپذیرند. از نظر شیعه، امامت یک دفتر الهی است، اما امام (ع) دولت را با وفاداری مردم پذیرفت. برابری در برابر قانون، در زمره حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان است. بنابراین همه حقوق یکسان دارند و قانون از همه آن‌ها محافظت می‌کند. این در بسیاری از سخنان حضرت علی (ع) مشهود است که طرفدار عدالت و عدم تبعیض هستند. عدالت نظم و انضباط هر قانونی است و بخشش گروه خاصی را دربر می‌گیرد. بنابراین عدالت شریف و برتر است (۲۲). دنیاگرایی در حقوق شهروندی اسلامی و در گفتار حضرت علی (ع) به بی‌عدالتی تعبیر شده و روی سخن امیرالمؤمنین بیشتر با حاکمان دولت اسلامی است که برای رعایت حقوق شهروندی اسلامی می‌بایست از دنیاگرایی دوری کنند.

حب دنیا، اعم از حب مال، مقام، برتری جویی، تن‌پروری، انتقام‌جویی و مانند این‌ها، گاه چنان توفانی در روح انسان ایجاد می‌کند که تمام معلومات او را بر باد می‌دهد، حتی گاه، حس تشخیص او را از میان می‌برد و در نتیجه، حیات دنیا را بر آخرت مقدم می‌دارد. این‌که در روایات اسلامی به طور مکرر حب دنیا به عنوان سرچشمه تمام گناهان شمرده شده است، یک واقعیت عینی و محسوس است که در زندگی خود و دیگران بارها آن را آزموده‌ایم. بنابراین برای قطع ریشه‌های گناه، راهی جز این نیست که حب و عشق دنیا را از دل بیرون کرد. باید به دنیا همچون وسیله‌ای، گذرگاهی، پلی و یا همچون مزرعه‌ای نگریسته شود. ممکن نیست عاشقان دنیا بر سر دو راهی «وصول به متاع این جهان» و «نیل به رضای خدا»، دومی را مقدم شمارند.

حضرت علی (ع) در وصیت‌نامه خود به امام حسن (ع) هدف خلقت را آفریده‌شدن انسان‌ها برای آخرت می‌داند و می‌فرماید: «وَاعْلَمْ يَا بُنَيَّ إِنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَ لِلْفَنَاءِ

لَا لِلْبَقَاءِ وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ وَ أَنْتَ فِي قُلْعَةٍ وَ دَارِ بُلْعَةٍ وَ طَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ؛ برای آخرت آفریده شده‌ای نه برای دنیا و برای فنا نه برای بقا و برای مرگ نه برای حیات، در منزلی هستی که باید از آن کوچ کنی و جایی که از آن به جای دیگر برسی» (۲). در قسمت دیگری از همین وصیت‌نامه درباره دنیاطلبان چنین می‌فرماید: «فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ غَاوِيَةٌ وَ سَبَاعٌ ضَارِيَةٌ يَهْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَ يَأْكُلُ عَرِيضُهَا ذَلِيلَهَا وَ يَقَهْرُ كَبِيرُهَا صَغِيرَهَا؛ دنیاپرستان چونان سگ‌های درنده، عوعوکنان، برای دریدن صید در شتابند، برخی به برخی دیگر هجوم آورند و نیرومندشان، ناتوان را می‌خورد و بزرگ‌ترها کوچک‌ترها را.» پرواضح است که منظور امام، دنیاخواهانی هستند که به دنیا دل بسته‌اند و آخرت را فراموش کرده‌اند، وگرنه «دنیا مزرعه‌ای است که بندگان خدا در آن هر کار خوب، بد، شیرین و یا تلخ را می‌کارند» (۲۳). پس مقصود امام (ع) این است که «دنیا هدف نیست، بلکه هدف و پلی است به سوی معنویات و سعادت اخروی» (۲۴).

از جمله اموری که می‌تواند بالاترین کمک را به سالکان راه در این مسیر کند، ملاحظه عاقبت کار دنیاپرستان است. قارون از این همه گنج‌هایی که صندوق آن‌ها را چندین انسان نیرومند به زحمت می‌کشیدند، چه اندازه با خود برد؟! قدرت‌های عظیمی را که در عصر و زمان خود به چشم خود دیدیم که با نسیمی دفتر زندگانی‌شان بر هم خورد و با یک گردش شب و روز از تخت قدرت فروافتادند و کاخ‌ها و ثروت‌هایشان را گذاشتند و گریختند و یا زیر خاک پنهان شدند، خود بهترین واعظ و معلم ماست.

عاقبت قارون برای نمایش نتایج دنیاپرستی

داستان قارون - سمبل ثروتمند مغرور - که قرآن مجموع آن را ضمن هفت آیه به طرز بسیار جالبی بیان کرده است، پرده از روی حقایق بسیاری در زندگی انسان‌ها برمی‌دارد. این داستان روشنگر این حقیقت است که غرور و مستی ثروت گاه انسان را به انواع جنون می‌کشاند، جنون نمایش دادن ثروت و به رخ دیگران کشیدن، جنون لذت‌بردن از تحقیر تهیدستان و... غرور و مستی و عشق بی‌حد و حصر به سیم و زر، گاه سبب

می‌کنند دنیا را وسیله‌ای برای آخرت سعادت‌مند، قرار دهند و دانش می‌اندوزند، دنیاداران هستند.

دنیانگرایی انسان را به سوی رذایل اخلاقی سوق داده و در آیات اشاره شده به این‌که اثرات بسیار نامطلوبی همچون رفتار غرور‌آمیز و ترویج فساد در جامعه، توجه به زیورها و زینت‌ها و سایر رفتارهای نکوهیده از ارزش‌های قارون‌مدارانه سرچشمه گرفته است.

علاوه بر آنچه که گفته شد، نکته دیگری که در داستان قارون وجود دارد، این است دنیانگرایی برای فرد تا زمانی که تنها در نظر گرفته شود، همچون فردی بیمار در قرنطینه تنها به خود وی ضربه می‌زند، اما هنگامی که فرد را در جامعه در نظر بگیریم، دنیانگرایی به دیگر افراد سرایت کرده و به سرعت در جامعه رشد می‌کند. این دنیانگرایی در همه عرصه‌های جامعه از جمله فرهنگ و اقتصاد نفوذ می‌کند. در آیات اشاره شده است که زمین، قارون را به همراه تمام اموال و ثروت و خانه و امکانات او فرو برده است. این اشاره به دلیل دادن این تذکر بوده که صرف نظر از این‌که قارون این ثروت را از مسیر درست به دست آورده باشد، اما از آنجا که این ثروت به محلی برای ترویج دنیانگرایی در جامعه تبدیل شده، مانند بیماری واگیرداری است که برای جلوگیری از سرایت آن به سایر افراد جامعه باید سریعاً دفن شود. علاوه بر این این بلعیدن قارون و تمام ثروتش زمینه را برای گرفتن درس عبرت برای کسانی که به ثروت قارون حسادت کردند نیز فراهم می‌آورد.

رویکرد امیرالمؤمنین به حقوق شهروندی و پرهیز از دنیاطلبی

اولین امام شیعه به مردم یادآوری می‌کند که حقوق متقابل آنان و رهبر از بالاترین حقوق الهی است. بر مبنای سخنان ایشان، با حاکم‌شدن حکومت اسلامی، رعایت عدالت و احترام به حقوق شهروندی در سرلوحه برنامه‌های دولت اسلامی قرار می‌گیرد. در این حالت، مردم امیدوارند که دولت ادامه یابد و دشمن از آرزوهای خود ناامید می‌شود (۲۶).

رعایت حقوق شهروندی از سوی حاکمان به واسطه رسالت سترگی که بر دوش آنان است و به ویژه از مجرای برقراری

می‌شود که دست به زشت‌ترین و ننگین‌ترین گناهان بزند، در مقابل پیامبر پاک خدا، قیام کند و به مبارزه و ستیز با حق و حقیقت برخیزد و حتی بی‌شرمانه‌ترین تهمت‌ها را به پاک‌ترین افراد ببندد و حتی با استفاده از ثروت خود از زنان آلوده هر جایی برای رسیدن به مقصدش کمک گیرد. همین غرور و مستی ناشی از ثروت به انسان اجازه نمی‌دهد که نصیحت اندرزگویان را بشنود و سخن خیرخواهان را به کار بندد (۵).

این انسان‌های مغرور کسانی هستند که خود را برتر از دیگران دیده و ثروتشان را که در برخی موارد از طریق تعرض به حقوق دیگران به دست آمده، نشانه برتری هوشی و درایت خود می‌پندارند، حتی در مقابل خداوند نیز دم از استقلال می‌زنند و می‌پندارند آنچه کسب کرده‌اند، از هوش و خلاقیت خودشان بوده است.

و دیدیم سرانجام این‌گونه مغروران تبهکار به کجا می‌رسد؟! اگر قارون با اطرافیان و تمام ثروتش به قعر زمین فرو رفت و ناپود شد، دیگران به اشکال دیگری ناپود می‌شوند و گاه حتی زمین، ثروتشان را به شکل دیگری می‌بلعد، یعنی ثروت‌های عظیم خود را تبدیل به کاخ‌ها، باغ‌ها و زمین‌هایی می‌کنند که هرگز از آن استفاده نخواهند کرد و گاه حتی اموال خود را می‌دهند و زمین‌های بایر و موات را خریداری می‌کنند، به این خیال که آن را تقسیم کرده و به قیمت‌های گزافی بفروشند و به این ترتیب، زمین ثروتشان را می‌بلعد (۵).

لذا ماجرای قارون به ما می‌آموزد که مشیت خدا چنین ایجاب می‌نماید که برای آزمایش انسان‌ها، رزق و روزی عده‌ای را بسط دهد و برای بعضی تنگ گیرد. انسان، نباید از داشتن مال و ثروت مغرور گردد و نه از فقر و محنت که او را به سوی دیگران بکشاند، مایوس گردد (۲۵).

چنانچه گفته شد، دو نوع نگرش در مورد دنیا در آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفته است: ۱- اول دیدگاه کسانی که تمام تلاش خویش را به کار گرفته تا به ثروت و موفقیت در دنیا برسند و هدفی بالاتر از آن را برای خود قائل نیستند، این گروه کسانی هستند که دنیا هدف غایی آنان است که می‌توان این افراد را در گروه دنیانگرایی دسته‌بندی کرد؛ ۲- گروه دیگری که دنیا را سکوی رسیدن به خداوند می‌دانند و تلاش

سطح زندگی خود را به سطح زندگی افراد عادی جامعه نزدیک نگاه دارند. به این شکل مردم مشکلات زندگی خود را مشکلات عمومی جامعه می‌دانند و شکاف بین فقیر و غنی افزایش نمی‌یابد. در صورتی که حاکمان و بزرگان جامعه مال اندوزی کنند و از مردم فاصله بگیرند، هم خود از مردم جدا می‌شوند، هم مردم اعتماد خود را به مدیران و حاکمان از دست می‌دهند.

آیات قرآن تأکید می‌کند که دنیاگرایی انسان و امت را به پوچی و نیستی می‌کشاند. همچنین تاریخ بشر پر از اقوام و ملت‌هایی است که با عیاشی و شهوت پرستی، زمینه فروپاشی را با دست خود فراهم کرده‌اند.

چون نخستین جانشین معصوم پیامبر اکرم (ص)، در مکتب وحی پرورش یافته است و حقیقت دنیا را به خوبی می‌شناسد: «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَىٰ بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسَ إِلَىٰ ظَاهِرِهَا» (۲)، آن را به ماری تشبیه می‌کند که زبردست انسان، نرم و ملایم است، ولی سم کشنده در درون آن است. نادان بی‌خبر به آن علاقمند و هوشمند عاقل از آن برحذر می‌شود: «مِثْلَ الدُّنْيَا كَمِثْلِ الْحَيَّةِ لَئِنْ مَسَّهَا وَالسَّمُ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا، يَهْوِي إِلَيْهَا الْغَرَّ الْجَاهِلُ وَيَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ» (۲). از این رو نه تنها خود حضرت از آن می‌گریزد، بلکه همه را از فریفته شدن به آن برحذر می‌دارد (۵).

چون مردم در زندگی به بزرگان و صاحب‌منصبان خود اقتدا می‌کنند و سیره حاکمان در زندگی آنان نقشی به سزایی دارد، حضرت همواره کارگزاران حکومتی خود را به اعراض از دنیا سفارش کرده، از فریفته شدن نسبت به دلربایی دنیا برحذر می‌دارد، مثلاً هنگامی که «عثمان بن حنیف» حاکم شهر در مهمانی پرزرق و برقی شرکت کرد، زمانی که این واقعه را به حضرت علی (ع) گزارش دادند، حضرت در نامه‌ای به او نوشت: «يَا بَنَ حَنِيفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَىٰ مَأْدَبَةِ فَاسْرَتٍ إِلَيْهَا تَسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَتَنْقَلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ وَ مَا ظَنَنْتَ أَنَّكَ تَجِيبُ إِلَىٰ طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلِهِمْ مَجْفُوفٌ وَ غَنِيَّتُهُمْ مَدْعُوفٌ. فَانظُرْ إِلَىٰ مَا تَقْضِمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمَهُ فَالْفِظْهُ وَ مَا أَيْقَنْتَ بِطَيْبِ وَجْهِهِ فَلَنْ مَنَّهُ؛ أَيُّ پَسْرِ حَنِيفٍ! بَهْ مِنْ كِزَارِشِ شَدَّهْ اسْتِ كَهْ مَرْدِيٍّ مِنْ مَتَمَكِّنَانِ أَهْلِ بَصْرَهْ، تُوْرَا بَهْ خُوَانِ مَهْمَانِيَشِ

عدالت و رفع ظلم، به خوبی مبین چرایی تأکید بر پرهیز از دنیاطلبی در نزد حاکمان و والیان در کلام امیرالمؤمنین است.

۱- بی‌اعتنایی حضرت علی (ع) به حکومت دنیا

در چشم‌انداز اسلام، زعامت امت و رهبری جامعه، خودبه خود، ارزشی ندارد تا انسان برای رسیدن به آن تلاش کند یا خواب شیرینش را تلخ گرداند یا هنگام از دست‌دادنش آب گوارا از گلویش پایین نرود و همانند طعامی که از فرط غصه و اندوه گلوگیرش می‌شود: «وَ طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ...» (۱)، بلکه ارزش زعامت به این است که مقدمه مطلوب و مقصودی دیگر قرار گیرد.

ابن عباس می‌گوید: «هنگام عزیمت برای جنگ با ناکثان، در منطقه «ذی قار» بصره، به خدمت امیرمؤمنان (ع) رسیدم که حضرت مشغول وصله‌زدن کفش خود بود، به من فرمود: این کفش به چند می‌ارزد؟ نگاهی بدان انداختم و گفتم به هیچ. آن حضرت فرمود: به خدا سوگند! همین کفش بی‌ارزش، برایم از حکومت بر شما باارزش‌تر است، مگر آنکه با این حکومت، حقی را به پا دارم و گره از مشکل دردمندی بگشایم یا باطلی را از بین ببرم» (۲).

آن حضرت در خطبه شششنبه می‌فرماید: «آگاه باشید! به خدا سوگند! خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، اگر نه این بود که جمعیت فراوانی گرداگردم را گرفته و به یاریم قیام کرده‌اند و از این جهت، حجت تمام شده است و اگر نبود عهد و مسؤلیتی که خداوند از دانشمندان هر جامعه گرفته است که در برابر شکم‌خواری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، من مهار شتر خلافت را رها می‌ساختم و از آن صرف نظر می‌کردم و آخر آن را با جام آغازش سیراب می‌کردم؛ آن وقت خوب می‌فهمیدید که دنیای شما با همه زینت‌هایش در نظر من بی‌ارزش‌تر از آبی است که از بینی گوسفندی بیرون آید» (۲).

۲- سفارش کارگزاران حکومت به ترک دنیا

توجه کردن به دنیا و کسب مال توسط حاکمان و سران جامعه اسلامی همواره نکوهیده شده و از عوامل فساد و از هم پاشیدگی جامعه شمرده شده‌اند. حاکمان ضمن آنکه باید برای حل مشکل اقتصادی قشرهای ضعیف بکوشند، باید سعی کنند

بلکه محبت و دلبستگی به دنیاست که مورد نکوهش است. زندگی در دنیا فرصت و مجالی است برای فراهم کردن زاد و توشه در راه سفر به سوی آخرت، زیرا عالم ملک مظهر جمال و جلال است و تا آن زمان که تعلق را به خود جلب ننماید و مانع حرکت نشود، مذموم نیست، اما آن هنگام که در قلب کدورت و غباری به واسطه توجه و انس به دنیا برآید، آن غبار و کدورت و صورت آن تعلق، دنیای مذموم است که انسان را از طاعت حق و توجه به آخرت بازمی‌دارد و میان انسان و خداوند، هزاران پرده از ظلمت می‌افکند. بنابراین تعلق و دلبستگی و دوست داشتن آنچه حق را از نظر انسان دور می‌سازد، دنیای مذموم و مورد نکوهش است. تعلقات دنیوی بر دیده دل حجاب ظلمت می‌افکند و آدمی را از دیدن و شنیدن آنچه کمال او در آن است، بازمی‌دارد و هرچه حبّ به این تعلق و دلبستگی به آن فزون‌تر باشد، به همان میزان قلب از درک مفاهیم معنوی و بهره‌مندی از معارف مهجور خواهد بود.

۳- اصول حقوق شهروندی اسلامی هرگز تشویق‌کننده انسان به دنیاطلبی نیستند، بلکه دل‌کندن از دنیا، شرط لازم رعایت حقوق شهروندی مسلمین و دیگر افراد جامعه به ویژه از منظر استقرار عدالت می‌باشد. امیرالمؤمنین به عنوان یکی از بااهمیت‌ترین افراد صحه‌گذار بر اصول حقوق شهروندی اسلامی، هرگز در زندگی شخصی دنیاطلبی نکرده و همواره منفعت عام جامعه و رعایت حقوق شهروندی مردم را در نظر داشته است.

دعوت کرده است و تو به سرعت به سوی آن شتافته‌ای، در حالی که طعام‌های رنگارنگ و ظرف‌های بزرگ غذا، یکی پس از دیگری پیش تو قرار داده می‌شد. من گمان نمی‌کردم تو دعوت جمعیتی را قبول کنی که نیازمندانشان ممنوع و ثروتمندانشان دعوت شوند. به آنچه می‌خوری بنگر، آنگاه آنچه حلال بودنش برای تو مشتبه بود، از دهان بینداز و آنچه را یقین به پاکیزگی و حلال بودن آن داری، تناول کن» (۲).

همچنین هنگامی که امیرمؤمنان (ع) شنید «منذر بن جارود عبدی» که از کارگزاران آن حضرت بود، خیانت کرده است، در نامه‌ای برای او نوشت: «به من خبر دادند که تو در پیروی از هوا و هوس فروگذار نمی‌کنی و برای آخرت چیزی باقی نگذاشته‌ای. دنیای را با ویرانی آخرت آباد می‌کنی و پیوندت را با خویشاوندانت به قیمت قطع دینت برقرار می‌کنی. اگر آنچه از تو به من رسیده، درست باشد، شتر (بارکش) خانواده‌ات و بند کفشت از تو بهتر است» (۲).

نتیجه‌گیری

۱- در جهان‌بینی اسلامی که بر اساس توحید استوار است، نه چیزی «بد مطلق» است و نه جهان خلقت، پوچ و بی‌هدف آفریده شده است. بنابراین زشت‌دانستن دنیا و بدگویی از آن، با جهان‌بینی توحیدی اسلامی و منطق قرآن و نهج‌البلاغه سازگار نیست، اما باید توجه داشت که مذمت دنیا، مربوط به علاقه و دلبستگی و وابستگی شدید به آن است، نه اصل آن، به طوری که اگر تزاممی میان دنیا و آخرت پیش آید و دنیا مورد توجه قرار گیرد و حق، عدالت و خداوند طرد شوند و دنیا به منزله هدف تلقی شود نه وسیله و خانه گذر، این امر مورد نکوهش خواهد بود.

۲- از آنجا که زرق و برق دنیا، سبب دلبستگی بیش از حد می‌شود و این دلبستگی‌ها غالباً سرچشمه گناهان بزرگ و انحراف از صراط مستقیم و سقوط در پرتگاه شقاوت است، رهبران بزرگ الهی همچون حضرت علی (ع) همیشه پیروان خود را در این زمینه هشدار می‌دادند و بخش مهمی از نهج‌البلاغه را همین هشدارها تشکیل می‌دهد. بر اساس نهج‌البلاغه، مذمت دنیا مربوط به جهان طبیعت و ماده نیست،

References

1. The Holy Quran. Poems: 129-128; Al-Imran: 185; Hadid: 20; Imam: 99; Hajj: 11; Nahl: 122; Najm: 8; Al-Rahman: 54; Maeda: 108; Ankabut: 27; Baqarah: 201; Abraham: 19; Shura: 20; Nehl: 96; Ghesas: 60; Yunus: 7-8.
2. Imam Ali. Nahj al-Balagha. Qom: Mashhur; 2000. Letter.49 Sermon.178, Sermon.82; Letter.31 Sermon.33, Sermon.3; Wisdom.432; Wisdom.119; Wisdom.45; Letter.71.
3. Koleini M. Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kutb al-Salamiyeh; 1365.
4. Tabatabai SMH. Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. Translated by Mousavi Hamadani SMB. Qom: Islamic Publications Office; 2001.
5. Makarem Shirazi, Nasser et al., Tafsir Nemooneh, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah, 1995.
6. Ibn Fars AHA. Mu'ajim al-Maqa'is al-Loghah, By Abdul Salam Muhammad Haroon. Qom: Dar al- Kotob al-Islamiyah; 1404 AH.
7. Tarihi F. Majma al-Bahrain. Tehran: Mortazavi Bookstore; 1996.
8. Ragheb Esfahani H. Al-Mufradat al-Qur'an. Translated by Khodaparast H. Qom: Navid Islam Publishing; 2011.
9. Ibn Manzoor M. Lisan al-Arab. Beirut: Dar Sader; 1414 AH.
10. Ibn A'thir E. Asad al-Ghaba fi Marefat al-Sahaba. Beirut: Dar al-Fekr; 1409 AH.
11. Farahidi KH. Al-Ain. Qom: Hijrat Publications; 1410 AH.
12. Qureshi SAA. Ghamoose Qur'an. Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyah; 1992.
13. Moein M. Farhange Farsi. Tehran: Amir Kabir; 1999.
14. Dekhoda AA. Loghatnameh. Tehran: Tehran University Press; 1344.
15. Abbasi M, Petoft A. Citizenship rights, from Principles to social Platform. Tehran: Legal Publishers; 2017. p.85.
16. Ahmadpour A. An Introduction to the Principles of Citizenship Rights in Islam. Journal of Islamic Research 2008; 2(3): 142-119.
17. Feiz Kashani MM. Tafsir al-Safi. Tehran: Sadr Publishing; 1415 AH.
18. Motahhari M. jazebe va Dafeeye Ali (AS). Tehran: Sadra Publishing; 2015.
19. Ibn Abi Jomhour M. Awali al-Layali. Qom: Seyed al-Shohada Publications; 1403 AH.
20. Sadr al-Mutallahin M. Interpretation of the Holy Quran. Qom: Bidar Publications; 1364.
21. Molavi M. Ethical Principles and Principles of Politics in Imam Ali's Viewpoint. Quarterly Journal of Nahj al-Balagheh 2016; 2(14): 13-33.
22. Sadr MB. Our Economics. 2nd ed. Beyond: Islamic Publications; 1977
23. Al-Harani Ibn Shobe H. Tohaf al-oqul. Qom: Teachers' Society; 1404 AH.
24. Mohammadi Eshtehardi M. Quranic verses and Prophet's speech in Nahj al-Balagha. Qom: Islamic Publications Office; 2002.
25. Bazargan M. The Qur'an teaching. Tehran: Publishing Company; 1996.
26. Al-Razi SH. Nahjol Balagheh. Translated by Dashti M. Qom: Amir al-Momenin Research Institute; 1999.